



## آفرینش نظریه معماری

جان لنگ

ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر

انتشارات دانشگاه تهران

کتاب با تأکید بر علوم رفتاری و تبیین رابطه‌ی انسان و محیط، علاوه بر اینکه در جهت ارتقای دانش پایه رشته‌های طراحی محیط، موضوعات جدیدی از روان‌شناسی محیط و رفتار را تدوین کرده است، زمینه‌ی آشنایی دانشجویان و پژوهشگران را با حوزه‌ای از نظریه‌های معماری فراهم می‌کند. مبنای فصل‌بندی کتاب از مدل نظری پیشنهاد شده در فصل دوم گرفته شده اما بر اغلب موضوعات مطروحه در فصل‌های اولیه دیدگاهی روان‌شناختی و رفتاری حاکم است. دیدگاهی که در فصول میانی کتاب جهت‌گیری جامعه‌شناختی، و در انتهای کتاب به دلیل پرداختن به نظریه‌های هنجاری و ارزشی و طرح دیدگاه‌های زیباشناختی در طراحی محیط بیشتر جهت‌گیری فلسفی دارد.

هدف این کتاب تبلیغ نوع جدیدی از معماری، طراحی شهری یا معماری منظر نیست بلکه افزایش آگاهی طراحان نسبت به نگرش جدید در تحقیقات اخیر علوم رفتاری، ماهیت محیط ساخته شده و فرآیند طراحی است. بالا بردن توانایی تحلیل پیچیدگی‌هایی است که معماران با آن روبه‌رو هستند. به‌خصوص قابلیت‌هایی از محیط ساخته شده که در پاسخگویی به فعالیت‌ها و ادراکات زیباشناختی مردم مؤثر هستند. واقع آن است که نظریه‌های طراحی در هیچ زمانی از یافته‌های رشته‌های دیگر و مبانی‌ای که برای شناخت ویژگی‌های محیط و چگونگی عملکرد آنها فراهم می‌آورند بی‌نیاز نبوده‌اند.

بحث اصلی کتاب این است که علوم رفتاری به رشد نظریه‌های اثباتی و درک نظریه‌های هنجاری کمک زیادی می‌کند. ماهیت ساخت نظریه، عملی ابتکاری است و با تحلیل‌های سطحی امکان‌پذیر نیست. در واقع نظریه ابداع می‌شود. در این اثر سعی می‌شود همچون سایر رشته‌های کاربردی، ماهیت و محدوده‌ی مبانی نظری رشته‌های طراحی تدوین و نشان داده شود که رشد مبانی نظری طراحی نه تنها پسندیده، بلکه ضروری است. هدف، پیشبرد یافته‌های قبلی، از طریق تحلیل دقیق‌تر نقش علوم رفتاری در نظریه طراحی است. رویکرد نظری کتاب، بر گسترش دیدگاه‌های فلاسفه‌ی مطرح قرن، از طریق جامعیت دادن به تعریف عملکرد است. کوشش شده است بین دیدگاه‌های هنجاری استادان شاخص معماری، طراحی منظر و طراحی شهری و راهکارهای عملی درک پدیده‌ها که در حوزه‌ی نظریه‌های اثباتی جای می‌گیرند، توازن ایجاد شود.

در واقع این مجموعه رساله‌ای جامع در مورد مبانی نظری طراحی نیست، بلکه به شیوه‌های ساخت و چارچوب‌های سیاسی و حقوقی فعالیت‌های طراحی به اختصار پرداخته و مطالبی نیز در مورد فن‌آوری و مصالح ساختمانی ارائه می‌کند. بنابراین به چگونگی تأمین فعالیت‌های انسانی، رفتارهای اجتماعی، و ادراکات زیباشناختی توسط ترکیب سه بعدی محیط، فرایندهایی که اساس کار طراحان هستند، پرداخته است. با توجه به اینکه هدف بر بررسی جامع نقش علوم رفتاری در تبیین مبانی نظری معماری گذاشته شده است، اما خلاءها و تناقضاتی در نظریه‌های اثباتی و هنجاری مربوط به آن وجود دارد.

مطالب کتاب را می‌توان تا حدود زیادی وامدار نظریه‌پردازان اصلی مکتب‌های خردگرا و ساختارگرای شوروی (سابق) چون اپولیناری کرازوفسکی، نیکلای الکساندروویچ، و مویسی گینزبرگ است. افرادی که از جمله اولین طراحان و مدرسین نهضت تجدید بودند که بر نیاز به نظریه‌های سازمان یافته و آزموده شده در رشته‌ی معماری تأکید کردند. هم‌چنین می‌توان به سهم دو تن از مدرسین مدرسه‌ی باوهاوس، والتر گروپیوس و هانس مییر نیز اشاره کرد. اما می‌توان گفت اگر کتاب، انگیزه‌ی کاربرد و آزمون دیدگاه‌های افراد ذکر شده و پژوهشگران زیاد دیگری را که ذکر نام آنها مقدور نیست ایجاد نماید و اگر طراحان و رفتارشناسان دیگر را متوجه نیاز به نظریه‌های کارایی بیشتر سازد و اگر چارچوبی را برای چگونگی کارکرد محیط ساخته شده برای بشر و ماهیت فرآیند طراحی برای دانشجویان معماری فراهم کند، به هدف خود رسیده است.